**باسمه تعالي**

**ضمانت اجراي دستاوردهاي لوزان؟**

**چکيده:**

**تصويب توافق هسته‌اي در قالب قطعنامه شوراي امنيت، نه تنها اجراي تعهدات از سوي 1+5، خصوصا امريکا را تضمين نمي کند بلکه برعکس دام خطرناکي براي ايران است. بهترين تضمين برای توافق هسته‌ای، تضمين‌هاي عيني است که متاسفانه در توافقهاي صورت گرفته وجود ندارد.**

|  |
| --- |
| ضمانت اجرای تعهدات 1+5 در یک نگاه[[1]](#footnote-1) |
| ردیف | **نوع ضمانت** | **وضعیت لوزان** | **میزان وادارندگی** | **نمره ایران** **از 20** |
| 1 | عینی | 6000 سانتریفیوژ موجود | بسیار ضعیف | 4 |
| 2 | حقوقی | تصویب توافق ذیل قطعنامه شورای امنیت | بسیار ضعیف | 4 |
| 3 | سیاسی | وجود ندارد | وجود ندارد | وجود ندارد |
| 4 | افکار عمومی | شبکه های بین المللی ایران و برخی کشورهای همسو | بسیار ضعیف | 4 |
| 5 | اخلاقی | وجود ندارد | وجود ندارد | وجود ندارد |
| نمره نهایی: 4 |

**مقدمه**

يک توافق خوب بايد هم از نظر محتوايي و هم از نظر شکلي قابل قبول باشد. محتواي يک توافق زماني قابل قبول است که بين داده و ستانده تناسب باشد و ارزش آنچه مي‌دهيم با آنچه مي‌گيريم برابر باشد. همچنين يک توافق زماني از نظر شکلي مقبول است که ويژگيهاي زير در آن محقق شده باشد.

1. ضمانت اجرا
2. بازگشت پذيري
3. تفسير ناپذيري
4. وجود ناظر
5. وجود داور در موارد اختلاف
6. جزء به جزء بودن يا کل به کل بودن که بسته به وضعيت کشورها يکي از آنها مناسب است.

اگرچه تمام موارد فوق در همه توافقها قابل اجرا نيست اما برخي موارد مثل ضمانت اجرا و تفسير ناپذيري بايد در تمامي توافقها رعايت شود. در توافق هسته‌اي تمامي موارد فوق قابل اجرا و رعايت آنها لازمست. در اين نوشته تنها ضمانت اجراي تعهدات 1+5 در دستاوردهاي لوزان بررسي خواهد شد و سپس ضمانت اجراي مناسب پيشنهاد مي شود.

**ضمانت اجرا**

ضمانت اجرا يعني در توافق، اهرم هاي لازم براي وادار کردن طرف مقابل به پايبندي به تعهداتش يا به تعبير ديگر رعايت حقوق ما لحاظ شده باشد.

**روشهاي تضمين**

حداقل پنج دسته ضمانت براي يک توافق قابل تصور است:

1. تضمين **عيني**
2. تضمين حقوقي
3. تضمين سياسي
4. تضمين افکار عمومي
5. تضمين اخلاقي
6. **تضمين عيني**

با ذکر يک مثال منظور از تضمين عيني روشن خواهد شد. زماني که فرد از بانکي درخواست وام مي کند بانک به منظور تضمين بازگشت وام، دو دسته ضمانت را در دادن وام رعايت مي کند. اول اينکه وام گيرنده بايد چند سند را دال بر بدهکار بودنش به بانک امضا کند. اين سندهاي مکتوب تضميني حقوقي هستند که در صورت کوتاهي فرد در بازپرداخت وام، بانک مي تواند با استفاده از اين اسناد در دادگاه، عليه وام گيرنده شکايت کند. علي رغم داشتن چنين ضمانت محکمي، بانک به اين ضمانت حقوقي اکتفا نمي کند. وام گيرنده موظف است يک يا دو کارمند دولت را که داراي حساب بانکي و دريافتي ثابت از بانک هستند به عنوان ضامن معرفي کند تا در صورت کوتاهي در بازپرداخت وام، قسط هاي عقب افتاده از حساب افراد ضامن کم شود. چنين ضمانتي را مي توان تضمين عيني براي بازگشت وام دانست. اين ضمانت بهترين نوع ضمانت است. بانک به جاي اين که وقت و هزينه خود را در دادگاه تلف کند تا بالاخره پس از کش و قوس فراوان، قاضي به نفع او راي دهد بدون مراجعه به دادگاه به پول خود مي رسد. قدرت وادارندگي و به تعبير ديگر بازدارندگي اين ضمانت در بالاترين درجه قرار دارد و نيازمند مراجعه به داور و مرجعي براي احقاق حق خود نيز نيست. و بنابراين نگراني اي از بابت صالح يا ناصالح بودن داور در ميان نخواهد بود. متاسفانه تیم مذاکره کننده از تضمین های عینی برای وادار کردن 1+5 به اجرای تعهدات خود استفاده نکرده است. در انتهای بحث مواردی از این ضمانت بیان خواهد شد.

1. **تضمين حقوقي**

در مثال فوق منظور از ضمانت حقوقي نيز روشن شد. ضمانت حقوقي يعني اين که در صورتي که طرف مقابل به تعهدات خود عمل نکند، رجوع به دادگاه یا نهادي بی طرف و مقتدر براي استيفاي حقوقِ مصرَّحِ در توافق لحاظ شده باشد. روشن است که نهاد يا دادگاه بايد صالح و مقتدر باشد تا هم در قضاوت، خلافِ حق، حکم نکند و هم توان استيفاي حق را از طرف مقابل داشته باشد. به نظر می رسد تیم مذاکره کننده جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد در توافق نهایی از این نوع تضمین استفاده کند؛ بدین صورت که توافق نهایی در قالب یک قطعنامه ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل تصویب شود تا عمل به آن برای همه کشورها از جمله امریکا الزامی شود. در بخش دوم بحث به میزان کارایی این تدبیر و اثرات مثبت یا منفی آن بر جمهوری اسلامی پرداخته خواهد شد.

1. **تضمين سياسي**

زماني که يک يا چند کشور، پايبندي طرف مقابل به توافق را تضمين کنند اين ضمانت ضمانت سياسي محسوب مي شود. در صورتي که کشور تضمين کننده، قدرت بيشتري از کشور طرف تعهد داشته باشد و حامي کشور مقابل باشد اين تضمين نسبتا قابل اعتماد و اتکا خواهد بود. مثلا ضمانت هايي که امريکا به اسرائيل براي جلوگيري از دسترسي ايران به سلاح اتمي مي دهد تا حدود بسيار زيادي براي اسرائيل قابل اتکا مي باشد.

1. **تضمين افکار عمومي**

امروزه بيش از هر زماني افکار عمومي از ارزش و اعتبار برخوردار است. از آنجايي که در بسياري از کشورها تعيين حاکمان از طريق انتخاب عمومي صورت مي گيرد جلب نظر رأي دهندگان و به تعبير ديگر افکار عمومي بسيار حائز اهميت است. البته تاثير افکار عمومي تنها در روز انتخابات و به انتخاب کنندگان محدود نمي شود. در عرصه سياست خارجي نيز جلب افکار عمومي سبب مي شود تا کشورها بتوانند سياست خود را بسيار راحت‌تر پيش ببرند. بنابراين در صورتي که افکار عمومي بين المللي پشتوانه يک توافق قرار بگيرد تخطي از آن سبب بي اعتباري کشور نقض کننده خواهد شد. روشن است که به خاطر توان پايين رسانه‌اي ايران نقش ما در شکل دهي افکار عمومي بين المللي بسيار پايين است و اين اهرم نمي تواند به طور موثري براي وادار کردن 1+5 براي عمل به تعهداتش مورد استفاده قرار بگيرد. بنابراين اظهار نظر دکتر ظريف مبني بر اين که:

**و اگر آن ها تحريم ها را برگردانند ديگر اعتباري در ميان افکار عمومي جهان نخواهند داشت.[[2]](#footnote-2)**

هيچ ارزشي ندارد و صرفا اميد دادن به مردم ايران با تمسک به توهم و سراب است.

1. **تضمين اخلاقي**

متاسفانه امروزه ضمانت اخلاقي در عرصه سياست، خصوصا روابط بين الملل، هيچ جايگاهي ندارد. بنابراين نمي توان به تعهدات اخلاقي طرف هاي مقابل، خصوصا دولت‌هايي که با کشور ما رابطه خصمانه دارد سر سوزني اعتماد نمود.

**تضمين موجود در بيانيه لوزان**

مطابق اظهارات دکتر ظريف براي اين که 1+5 و خصوصا امريکا ملزم به اجراي توافق باشد توافق نهايي، در قالب يک قطعنامه و ذيل فصل هفتم منشور سازمان ملل به تصويب خواهد رسيد تا عمل به آن براي همه کشورها **از جمله امريکا الزامي باشد** و اين کار، **بهترين تضمين خواهد بود**. متن اظهارات ايشان بدين شرح مي باشد:

اگر توافق انجام شود و در شوراي امنيت به تصويب برسد ديگر، آن بحثي که جمهوري خواهان در کنگره مطرح کرده بودند مبني بر اين که هر توافقي با اوباما تنها تا پايان دوره رياست جمهوري وي اعتبار خواهد داشت منتفي خواهد شد ... **بهترين تضمين براي ما قطعنامه شوراي امنيت است** که با تصويب اين شورا کشورهاي طرف مذاکره با ايران **بايد** به مباحث توافق شده عمل کنند[[3]](#footnote-3) .

**قطعنامه شوراي امنيت بهترين تضمين؟**

در درجه اول به نظر مي‌رسد تضمين فوق، تضميني حقوقي است و مي‌تواند 1+5 خصوصا امريکا را به اجراي تعهداتشان وادار کند. زيرا وقتي اين توافق در قالب يک قطعنامه و ذيل فصل هفتم منشور سازمان ملل تصويب شود همه کشورها و از جمله امريکا ملزم به رعايت آن خواهند بود.

اگر عجله‌اي در پذيرش سخن فوق نباشد مي توان عالمانه و با صبر و حوصله صحت سخن فوق را بررسي نمود و در صورت تاييد آن توسط دلايل محکم، از صميم دل خداقوتي به تيم مذاکره کننده تقديم کرد.

همان گونه که پيشتر بيان شد در **تضمين حقوقي**، لازمست رجوع به يک **دادگاه يا نهاد بی‌طرف و قوي** براي وادار کردن طرف مقابل به اجراي تعهداتش لحاظ شده باشد. در اين که شوراي امنيت در زمره قدرتمندترين نهادهاي بين المللي است ترديدي وجود ندارد و بنابراين قدرت و اقتدار لازم براي استيفاي حق را دارد. اما آيا شرط صالح بودن و به تعبير ديگر بي طرف بودن آن نيز محقق است؟

لازمه پاسخ به سوال فوق آشنايي مختصري با اين نهاد بين المللي است. شوراي امنيت از 15 عضو تشکيل شده است؛ 5 عضو دائم و ده عضو غير دائم که هر دو سال يک بار عوض مي شوند. 5 عضو دائم عبارتند از امريکا، انگليس، فرانسه، روسيه و چين. اين 5 کشور داراي حق وتو مي باشند؛ يعني در صورتي که هر يک از پنج کشور فوق با قطعنامه‌هاي شوراي امنيت مخالفت کنند، آن قطعنامه وتو و بنابراين بي اعتبار خواهد شد.

افزون بر اين **امریکا پرنفوذترين عضو شوراي امنيت است** زیرا کماکان قدرتمندترين کشور جهان و اصلي ترين تامين کننده بودجه سازمان ملل و نهادهاي تابع آن است.

همچنين از ميان پنج عضو دائم شورای امنیت، انگليس و فرانسه ـ‌که هر دو نیز دارای حق وتو هستند‌ـ از حاميان سنتي امريکا در شورای امنیت مي‌باشند.

با عنايت به مقدمات فوق فرض کنيم با توافق هسته‌ای در قالب یک قطعنامه به تصویب شورای امنیت برسد و همه کشورها از جمله امريکا ملزم به اجراي مفاد توافق نهايي ميان ايران و 1+5 شوند.

حال ببینیم بعد تصویب این قطعنامه چه اتفاقی رخ خواهد داد. همان گونه که مي‌دانيم اصلي ترين تعهد 1+5 تعليق يا لغو تحريمهاي مرتبط با هسته اي است. **همچنين مي‌دانيم که اصلي‌ترين تحريمهايي که ايران را تحت فشار گذاشته است تحريمهاي يکجانبه امريکا مي‌باشد.** اساسا اغلب کشورها علاقه چندانی به تحریم ایران ندارند و تحت فشار امریکا مجبور به تحریم ایران شده‌اند. بنابراین طرف اصلی ایران در مسئله تحریمها امریکاست.

حال سوال اينجاست که اگر امريکا ـ‌ که اصلی ترین بازیگر صحنه تحریمهاست‌ـ به هر دليلي تصميم به نقض تعهداتش بگيرد آیا شورای امنیت اقدام موثری علیه امریکا انجام خواهد داد؟ فراتر از این آیا اساسا شورای امنیت می تواند اقدام موثری علیه امریکا انجام دهد؟

پاسخ این دو سوال بسیار روشن است شورای امنیت نه تنها هیچ اقدام موثری علیه امریکا انجام نخواهد داد بلکه به لحاظ حقوقی اساسا توان انجام این کار را هم ندارد. حتما خواننده خوش فکر سوال خواهد کرد به چه دلیل شورای امنیت اقدام موثری علیه نقض تعهد امریکا نخواهد کرد و چرا در صورتی هم که بخواهد اقدامی علیه امریکا انجام دهد توان انجام این کار را ندارد؟

**پاسخ سوال اول:** مگر جز این است که اعضای اصلی و موثر شورای امنیت همان پنج عضو دائم هستند؟ آيا مي‌توان حالتی را تصور کرد که در يک اقدام بي سابقه انگليس و فرانسه حاميان سنتي امريکا به همراه چين و روسيه در حمايت از ايران و در مقابل امريکا قطعنامه‌اي محکم و داراي اثرات واقعي عليه امريکا صادر کنند؟ چگونه ممکن است که در منازعه ميان ايران و امريکا انگليس و فرانسه به جاي حمايت از امريکا از ايران حمايت کنند؟ آیا قابل قبول است که حامیان امریکا علیه امریکا و از اصلی ترین مخالف امریکا حمایت کنند؟ روشن است که چنین امری هرگز رخ نخواهد داد.

**پاسخ سوال دوم:** اگر بر فرض محال چنين اتفاقي براي اولين بار در تاريخ رخ دهد و انگليس و فرانسه دو حامی سنتی امریکا به همراه روسيه و چين در حمایت از اصلی ترین مخالف امریکا قطعنامه‌اي عليه امريکا تنظيم کنند، آيا چنين قطعنامه اي مي‌تواند به تصويب شوراي امنيت برسد آن هم در حالي که امريکا از حق وتو برخوردار است و به سادگي با مخالقت خود مي‌تواند آن را وتو کند؟ روشن است که امریکا هرگز اجازه تصویب قطعنامه موثری علیه خود را نخواهد داد.

اساسا وجود حق وتو براي پنج عضو دائم و از جمله امريکا به معني مصونيت دائمي ‌آن کشورها از هر گونه اقدام شوراي امنيت عليه آنهاست. تصویب توافق هسته‌ای در قالب قطعنامه شوراي امنيت علي رغم ظاهر حقوقي آن، به دليل جانبداري و عدم بي طرفي شوراي امنيت و نيز به دليل اين که امريکا داراي حق وتوست نمي‌تواند هيچ الزام حقوقی‌ عليه امريکا ایجاد کند.

مسئله فقط اين نيست که تصويب توافق در قالب قطعنامه امري بي‌فايده است بلکه اسف بارتر اين که خسارات جبران ناپذيري براي کشور به همراه خواهد داشت. در صورت تصويب توافق در قالب قطعنامه شوراي امنيت، طرف ايران، ديگر 1+5 نخواهد بود. بلکه اين بار طرف مقابل ايران شوراي امنيت خواهد بود. با تصويب اين توافق در قالب قطعنامه، ايران با دست خود مداخله شوراي امنيت در پرونده هسته‌اي را تاييد کرده است. از آنجايي که بخشهايي از توافق دائمي است ـ‌مثل پروتکل الحاقي و محروميت ابدي ايران از بازفرآوري‌ـ کل توافق دائمي‌ محسوب خواهد شد. نتيجه اين امر آن است که **ايران تا ابد به شوراي امنيت اجازه داده است تا در پرونده هسته‌اي ايران دخالت کند و اين يعني وقوع يک فاجعه جبران ناپذير براي جمهوري اسلامي ‌ايران.**

**در سال 1382، اصلي‌ترين واهمه دولت هشتم در پرونده هسته‌اي، ارجاع پرونده ايران به شوراي امنيت بود. همه عقب نشيني‌هاي صورت گرفته در آن زمان ـ‌توسط دبير وقت شوراي امنيت ملي جناب آقاي روحاني و رئيس تيم مذاکره کننده جناب آقاي ظريف‌ـ با هدف جلوگيري از ارجاع پرونده ايران به شوراي امنيت توجيه مي‌شد. حالا همان تيم با دست خود پرونده هسته‌اي ايران را به طور دائم به شوراي امنيت مي‌فرستد!!!**

شايد بتوان خشم و انزجار خود را از وقوع فاجعه‌اي که در پيش است پنهان کرد اما نمي‌توان مردم کشور را از خطر بزرگي که در کمين آنهاست بي خبر نگاه داشت.

ملت ايران بداند:

**تصويب توافق در قالب قطعنامه شوراي امنيت نه تنها تضمين موثري براي ايران ايجاد نمي‌کند بلکه به منزله انداختن دائمي ‌ايران در دام شوراي امنيت مي‌باشد.**

**بهوش باشيم و از وقوع اين حادثه جلوگيري کنيد.**

**تضمين عيني، بهترين تضمين**

اگر ايران مي‌خواهد جلوي نقض عهد 1+5 را بگيرد بهترين ابزار براي اين هدف، استفاده از تضمين‌هاي عيني است. در تضمين‌هاي عيني به خاطر در دست داشتن اهرمهاي وادارنده، نيازي به مراجعه به هيچ نهادي نيست. طرف مقابل مجبور خواهد بود به تعهداتش عمل کند. در صورت تخطي1+5 از تعهدات خود، با به اجرا گذاشتن اهرمهاي وادارنده، مجبور به تمکين در برابر مفاد توافق خواهد شد.

همان گونه که پيشتر بيان شد موضوع اين سخن محتواي توافقات صورت نيست. از ميان معيارهاي شکلي لازمه يک توافق خوب صرفا ضمانت اجرا مورد بحث مي‌باشد. بنابراين با فرض پذيرش محدوديت هاي مورد توافق در لوزان بر صنعت هسته‌اي براي اين که اين توافق از ضمانت اجراي محکمي برخوردار باشد لازمست اقدامات زير صورت پذيرد.

1. **نطنز**

با فرض پذيرش محدود شدن ظرفيت بالفعل غني سازي به 5060 دستگاه، به جاي جمع کردن 11000 سانتريفيوژ باقيمانده و زيرساختهايشان و نگهداري آنها در انباري، زير نظر آژانس، اين دستگاهها به صورت فعلي در نطنز حفظ خواهد شد. اين 11000 دستگاه، ضمن قرار گرفتن تحت نظارت آژانس، پلمپ خواهند شد تا هم تضمين لازم براي 1+5 مبني بر پايبندي ايران به توافقِ صورت گرفته فراهم شود و هم اهرم وادارنده در دست ايران باقي بماند.

1. **فردو**

به جاي تغيير کاربري فردو و تبديل آن به يک مرکز تحقيقاتي، ضمن پذيرش عدم انجام هر گونه فعاليت غني سازي در فردو، 3000 سانتريفيوژ موجود در اين مرکز به صورت فعلي حفظ خواهد شد. اين 3000 دستگاه، ضمن قرار گرفتن تحت نظارت آژانس، پلمپ خواهند شد تا هم تضمين لازم براي 1+5 مبني بر پايبندي ايران به توافق صورت گرفته، فراهم شود و هم تضميني عيني در دست ايران براي وادار کردن 1+5 به اجراي تعهداتش باقي بماند تا در صورت تخطي 1+5 از عمل تعهداتش، ايران بلافاصله با شکستن پلمپ سانتريفيوژها مي‌توان فعاليت فردو را از سر بگيرد.‌

1. **نیروگاه اراک**

ضمن پذيرش خواسته 1+5 در خصوص نيروگاه اراک، تا زماني که نيروگاهي با مشخصات مورد توافق، در کنار نيروگاه فعلي ساخته نشود نيروگاه فعلي پلمپ شده و تحت نظارت آژانس به صورت فعلي حفظ خواهد شد تا هم تضمين لازم براي 1+5 مبني بر پايبندي ايران به توافق صورت گرفته، فراهم شود و هم تضميني عيني در دست ايران باقي بماند تا چنانچه 1+5 در عمل به تعهداتش کوتاهي کند ايران بتواند ادامه ساخت نيروگاه آب سنگين اراک را از سر بگيرد.

چنانچه اين اهرمهاي بازدارنده در دست ايران باقي بماند امکان تخطي1+5 از تعهداتش را به حداقل خواهد رسید و اين بهترين تضمين براي ايران خواهد بود.

**بامید بازگشت تدبیر و تکیه بر توان ملت، به دولت**

1. **نمرات بر اساس پنج حالت بسیار خوب، خوب، متوسط، ضعیف و بسیار ضعیف داده شده است.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **برنامه نگاه يک، شبکه يک سيما، شنبه 15 فروردين 1394** [↑](#footnote-ref-2)
3. **گفتگوي دکتر ظريف، برنامه نگاه يک، شبکه يک سيما، 15 فروردين 1394** [↑](#footnote-ref-3)